



سماذکریمان ممد

حسین علی‌شاد اصلاح‌گر جهانی

اشاره:

بررسی نهضت امام حسین علیه السلام امری است لازم که تاکنون بسیاری از نویسندگان و گویندگان بدان پرداخته‌اند.

یکی از ارکان نهضت آن حضرت - همانگونه که در گفتار و روش آن

امام همام می‌باشد - اصلاح‌طلبی در جامعه‌دینی است. بررسی موضوع اصلاح‌طلبی در نهضت امام حسین علیه السلام از آن جهت حائز اهمیت است که در دهه اخیر بسیاری از افراد با شعار اصلاح‌طلبی، ولی با انگیزه‌های شخصی و گروهی در صدد بهره‌برداری از آن برای رواج تساهل و تسامح و به فراموشی سپردن ارزش‌ها، به ویژه ارزش‌های حاکم بر نهضت بزرگ اصلاح‌طلب‌گر بنامی‌باشند. هر چند مدتی است دولت دیگری جایگزین دولت اصلاحات شده است و به تناسب، واژه اصلاح‌طلبی نیز از دهان مردم کوچه و بازار کمتر شنیده می‌شود؛ اما رویکرد فرا زمانی بعضی از به اصطلاح اصلاح‌طلبان، موجب شد تا به این مسأله مهم بپردازیم و از نظر امام حسین علیه السلام این موضوع را مورد بررسی قرار دهیم.

اصلاحات و اصلاح‌طلبی در گفتمان سیاسی - اجتماعی لغت آشنایی است که اندیشمندان، هر کدام به فراتر از حد و دیدگاه خود بدان پرداخته‌اند، اما در این میان کسانی بوده و هستند که به نام «اصلاح‌گری» به «افساد» مشغول بوده و جامعه را به فساد و تباهی می‌کشند، لذا پیش از آن که به بررسی اصول و مؤلفه‌های اصلاح‌طلبی از چشم‌انداز دینی، به ویژه از دیدگاه امام حسین (ع) بپردازیم، لازم است تعریفی کوتاه، اما روشن از واژه «اصلاح» ارائه دهیم.

واژه «اصلاح» در مقابل «افساد» به معنای «سامان دادن، بهینه ساختن، به نیکی درآوردن»^۱ و نیز «درست کردن، به سازش درآوردن و آراستن»^۲ است. به فرموده رهبر معظم انقلاب: «اصلاح این است که هر نقطه خرابی، هر نقطه نارسایی، هر نقطه فاسدی به یک نقطه صحیح تبدیل شود».^۳

بررسی اجمالی ادبیات دینی ما این نتیجه را می‌دهد که مفهوم «اصلاح» به دلیل بار ارزشی و مثبت، قابلیت آن را دارد که در هر دو پایگاه حق و باطل مورد استفاده قرار گیرد؛ از یک سو خداوند متعال در قرآن کریم درباره منافقان می‌فرماید: «چون به آنان گفته شود: در زمین فساد نکنید، می‌گویند: ما خود اصلاح‌گر هستیم. به هوش باشید که آنان فسادگر اند و لکن نمی‌فهمند.»^۴ و از سوی دیگر فرمایش امام حسین (ع) که انگیزه قیامشان را اصلاح‌گری در امت جد خود و بازگشت به اسلام ناب محمدی (ص) بیان کردند.^۵

به تحقیق شناخت موارد تقابل اصلاحات دینی با اصلاحات غربی و غیر دینی، برای ما راهنمای خوبی است تا در مسیر صحیح اصلاح‌طلبی گام برداریم، لذا ضروری است با مؤلفه‌های اصلاح‌طلبی از منظر امام حسین (ع) آشنا شویم تا دست منافقان به ظواهر اصلاح‌طلب کوتاه و اهداف شومشان بر ملا شود.

مؤلفه‌های اصلاحات حسینی (ع)

۱. پایبندی به دین و تشکیل حکومت دینی (نفی سکولاریزم):

یکی از اصول و مؤلفه‌های اصلاحات غربی، دین‌زدایی و نفی مرجعیت دینی از تمامی تصمیم‌گیری‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است. اصلاح‌طلبان غرب‌بزه - که در کشور ما نیز تفکر آن‌ها به وسیله برخی احزاب حمایت می‌شود - سعی می‌کنند دین را از دخالت در قلمرو سیاسی - اجتماعی دور نگاه دارند و منحصر در امور شخصی و فردی نمایند، اما در اصلاحات حسینی (ع) اهتمام به دین و احیا و اصلاح ارزش‌های دینی، عنصر اصلی و محوری اصلاحات است. علت اصلی قیام امام حسین (ع) این بود که در عصر ایشان، انحرافات و بدعت‌هایی در دین رسوخ کرده و چهره واقعی دین را تغییر داده بود و از آن جا که نظام حاکم به تعالیم دینی پایبند نبود و دین‌داران نیز با دیدگاهی تساهلی سر در لاک غفلت فرو برده بودند؛ آن حضرت در صدد اصلاح و احیای دین برآمدند.

تساهل و تسامح نسبت به خلاف‌های آشکار دستگاه خلافت آن چنان ریشه دوانده بود که به غیر از مبارزه علنی امام حسین با فسق و فجور، راه دیگری وجود نداشت.

شاید کلام خود حضرت برای روشن تر کردن وضعیت جامعه آن روز گویاتر باشد؛ حضرت خطاب به فرزدق در مکانی بنام «صفاح» می‌فرمایند: «ای فرزدق، این مردم کسانی هستند که از شیطان اطاعت کرده و اطاعت از خدای رحمان را ترک کرده‌اند و در زمین فساد می‌کنند، حدود شرعی را رعایت نکرده و شراب می‌نوشند و در اموال فقرا دست‌درازی می‌کنند و...»^۶ با این توضیحات می‌توان این گونه نتیجه گرفت که حرکت اصلاحی امام حسین (ع)، حرکتی سیاسی - اجتماعی بود و در واقع با این حرکت، علیه تفکرات سکولاریستی رایج در آن عصر به مبارزه برخاست. حضرت با قیام خونین خود نشان داد که مرز سیاست از دیانت جدا نیست و در اسلام



بین این دو، همگرایی و هماهنگی وجود دارد. هر وقت در رأس حکومت، زمامداران و حاکمانی فاسد قرار بگیرند که لیاقت منصب کشورداری را نداشته باشند، باید علیه آنها شورید و از منصب حکومت عزل کرد. همانگونه که در انقلاب اسلامی نیز امام خمینی (ره) در مقابل رژیم فاسد پهلوی ایستاد و اساس نهضت خویش را احیای اسلام اصیل فراموش شده و منزوی قرار داد و همواره انقلاب اسلامی را انقلابی احیاگرانه و اصلاح طلبانه در ابعاد فکری، فرهنگی، اخلاقی، سیاسی و... توصیف کرد.

۲. قیام خدا محور (نفی او مانسیم):

فردگرایی غربی، آن گونه که در بستر او مانسیم شکل گرفت و منتهی به سودانگاری مطلق شد، هرگز در اسلام پذیرفته نیست. انسان، مدز و محور اخلاق و ارزشها نیست، بلکه اصول و پایه‌های اخلاقی و قضایای ارزشی؛ امور عینی و مستقل از ذهنیت و خواست و میل آدمیان است و به همین دلیل است که مبانی اصیل اخلاقی هیچگاه نسبی نبوده و نیستند.

اگر عدالت، خوب یا خیانت و جنایت، بد است؛ از آن روست که این امور به واقع موجب کمالاتی روحانی و یا خساراتی معنوی در باطن و حقیقت انسان می‌شوند، نه آن که به دلیل کارکرد اجتماعی مثبت، این قضایا یا گرایش و ترجیح ذهنی طرفداران آنها مقبول افتادند.^۷

قیام و نهضتی که امام حسین (ع) برپا کردند، نهضتی خدا محورانه و الهی بود، نه فردگرایانه و براساس مصلحت فردی. قیام عاشورا چون رنگ خدایی داشت، جاویدان و پیروز شد و به تعبیر امام خمینی (ره): «شکست نبود کشته شدن سید الشهدا، چون قیام الله بود، شکست ندارد».^۸

۳. قرائت واحد از دین (نفی پلورالیسم):

بدیهی است که جامعه بدون بهره‌گیری از ارزش‌های الهی، در ادامه حیات اجتماعی خود، دچار انحرافات و مشکلات هنجاری خواهد شد؛ چرا که رفتار و اعمال اجتماعی افراد در جامعه، مبتنی بر ارزش‌های حاکم بر آن است. بر این اساس، معاویه که ارزش‌های الهی و خاندان نبوت را از جامعه اسلامی کنار گذاشته بود، در صدد برآمد تا با ترویج افکار التقاطی و قرائت‌های دیگر از دین، این نقیصه را جبران کند. از این رو، به ترویج تفکر «مرجئه»، که قرائتی جدید از ایمان بود، پرداخت و مدعی بود که ایمان قلبی برای انسان کفایت می‌کند!

مبانی اصلاحات امام حسین (ع) بر پایه قرائت از دین بود و براساس همین قرائت واحد، به مبارزه با سایر قرائت‌ها پرداخت. اگر قرائت‌های مختلف از دین صحیح باشد - آن گونه که عده‌ای معتقدند - دیگر اصلاح‌گری، امر به معروف و نهی از منکر، قیام برای عدالت اجتماعی و... معنی و مفهوم ندارد؛ چرا که بر اساس قرائت‌های مختلف از دین هر کسی برای خود فهم و قرائتی از دین دارد و همه این قرائت‌ها نیز صحیح است.

امام (ع) با قیام و اصلاح‌گری خود نشان دادند که هر قرائتی از دین بر طریق صواب نیست و باید در مقابل قرائت‌های انحرافی و بدعت‌آمیز از دین ایستاد.^۹

اصلاح طلبی در عصر حاضر

حرکت احیاگرانه و اصلاحی امام حسین (ع) حرکتی است که شامل تمامی زوایای جامعه آن روز و جوامع بعدی می‌شود، همه نواقص و کاستی‌ها را شناسایی می‌کند و طرح و برنامه‌هایی را براساس مبانی قرآن و سنت پیامبر (ص) و سیره امیر المؤمنین (ع) برای مقابله با آنها عرضه می‌دارد.

نمی‌توان و نباید هیچ یک از ابعاد و جنبه‌های اصلاحات را نادیده انگاشت و بعضی را شدت بخشید و از برخی چشم پوشید و از شتاب بازداشت. اگر بنا داریم حسین وار در همه ابعاد، اصلاحاتی را دنبال کنیم، باید با حفظ مبانی دینی و در چارچوب ارزش‌های اسلامی چنین کنیم.

گرچه فضای عمومی و اجتماعی عصر ما با زمان امام حسین (ع) تفاوت دارد، اما امام حسین (ع) آموزگار بزرگ آزادی‌خواهان در هر زمانه‌ای است. باید دید مدعی

اصلاح طلبی در این زمان، براساس کدام معیار و اندیشه و سلیقه‌ای اصلاح طلب است؟ آیا عنصر فعال نهضت حسینی؛ یعنی امر به معروف و نهی از منکر در این دیدگاه جایگاهی دارد؟ آیا کتاب و سنت، سبک و روش اصلاح طلبان راه‌دایت می‌کند، یا حرکت آنان برخاسته از تفکرها و تمایل‌های شخصی و گروهی است؟ آیا عزت‌خواهی و آرمان طلبی و توجه به بعد معنوی جامعه، از اصول فکری اصلاح طلبان است؟ آیا پایداری و مقاومت و نفی حرکت‌های ذلت‌پذیری، جزء اهداف و برنامه‌های مدعیان اصلاح طلبی است؟ و آیا تفکر شهادت طلبی در اندیشه و افکار آنان جایی دارد یا خیر؟

با پاسخ به این سؤال‌ها، هم سویی و عدم هم سویی هر مدعی اصلاح طلبی با حرکت جامع و اصلاح طلبانه امام حسین (ع) روشن خواهد شد. امام حسین (ع) متعلق به همه اعصار، و در همه زمان‌ها زنده، و آموزگار بزرگ همه انسان‌های اصلاح طلب است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. راغب اصفهانی، مفردات، ماده صلح، ۲. فرهنگ عمید، ۳. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۸ بهمن ۱۳۷۹، ۴. سوره بقره، آیه ۱۲ - ۱۱، ۵. انما خرجت لطلب الاصلاح فی امتی جنی، ازید آن امر بالمعروف و نهی عن المنکر و... (محمد دشتی، فرهنگ سخنان امام حسین (ع)، ص ۶۶۲. و موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۲۹۱. ۶. موسوعه کلمات الامام الحسین (ع)، ص ۳۳۶ «یا فرزندی آن هولاء قوم لزمو اطاعة الشیطان و ترکوا اطاعة الرحمن، و اظهر و فساد فی الارض و ابطلوا الحدود و شربوا الفهور و استأثروا فی اموال الفقراء و المساکین و...» ۷. احمد واعظی، جامعه مدنی - جامعه دینی، ص ۸۹۶. صحیفه تنویر، ج ۱۵ - ص ۵۵۹. حمیدرضا قنبری، نژاد اصفهانی، امام حسین (ع) و اصلاح طلبی، ص ۴۱.

